

# استفاده از روش تنبیه در تربیت از دیدگاه اسلام و روانشناسی

سید عصمت الله ملکوتی \*

## چکیده

تنبیه، از روش‌های تربیتی است که در موقعیت‌های ویژه‌ای می‌تواند روشی بازدارنده و گاه اصلاحی باشد، و از این رو، در گروه روش‌های ایجابی قرار می‌گیرد که انجام آن، اثر تربیتی دارد. از سوی دیگر، اعمال این روش در صورتی موثر است که در شرایط خاص و با رعایت جوانب گوناگون به کار گرفته شود؛ در غیر این صورت، اثرهای تخریبی آن به مراتب بیشتر از پیامدهای مثبت آن خواهد بود، که این امر آن را در گروه روش‌های سلبی و آسیب‌زا قرار می‌دهد.

از آنجایی که روشن شدن استفاده از روش تنبیه از دیدگاه اسلام و روانشناسی در محافل تربیتی از اهمیت خاصی برخوردار است، برآنیم تا در این مقاله در ابتدا به نظر برخی از روانشناسان و مربیان تربیتی و سپس به دیدگاه اسلام و علمای دین، و نیز اشاره‌ای به اصول و شرایط، فوائد، مراحل و برخی از آسیب‌های استفاده از این روش داشته باشیم.

**کلید واژگان:** تنبیه، تربیت، اسلام، روانشناسی

## مفهوم شناسی تنبیه

«تنبیه» در لغت به معنای بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی و آگاه کردن، آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳)، ذیل واژه تنبیه) بر این اساس، تنبیه در معنای لغوی و عام خود عبارت است از مطلق آگاهی بخشی که می‌تواند با هر شیوه‌ای صورت پذیرد. اما معنای اصطلاحی تنبیه، عبارت است از: «مواجه ساختن متربی خطا کار با یک تجربه‌ی ناخوشایند، به منظور آگاه ساختن وی از پیامد رفتار نامطلوب خود و جلوگیری از تکرار آن» البته تنبیه معنای خاصی نیز دارد، تنبیه در این معنا، همان تنبیه بدنی است که به صورت اذیت و آزار جسمانی انجام می‌شود. (قائمى مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷)

بنابراین، در اصطلاح به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه و هوشیار کردن باشد و دست کم به سه معنا بکار رفته است:

۱. حذف پاسخ مثبت از ارگانیسم و یا اضافه کردن پاسخ منفی به آن؛ تنبیه، زمانی رخ می‌دهد، که پاسخ مثبتی را از موقعیت حذف و یا چیزی منفی به آن بیافزاییم. به زبان متداول، می‌توان گفت تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانیسم است که خواستار آن است، یا دادن چیزی است به او که طالب آن نیست. به عبارت دیگر، تنبیه عبارت است از ارائه محرک ناخوشایند یا حذف تقویت مثبت، بلافاصله بعد از انجام یک رفتار. تنبیه به این معنا را تنبیه به معنای عام می‌گوییم.

۲. ارائه پاسخ منفی به ارگانیسم؛ در این تعریف، تنبیه عبارتست از: ارائه یک محرک آزارنده یا تنبیه‌کننده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. برای مثال، اگر بعد از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک مثلاً گفتن یک حرف تند با عصبانیت و با ارائه یک محرک آزارنده مثل زدن به او خواسته باشیم که احتمال بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم او را تنبیه کرده‌ایم. تنبیه به این معنا را تنبیه به معنای خاص می‌گوییم. (سیف، ۱۳۸۶، ۲۴۶)

۳. تنبیه بدنی یا کتک زدن؛ گاهی مراد از تنبیه، به همین معناست که ما آن را تنبیه به معنای اخص می‌گوییم. آنچه از میان این معانی سه گانه تنبیه، مورد تردید و بحث واقع شده است قسم سوم یا تنبیه به معنای اخص است.

### تنبیه از نظر روان‌شناسی

از نظر روان‌شناسان، چون اساس زندگی کودک، به ویژه در سال‌های اول زندگی، مبتنی بر جلب لذت و دفع الم است، از هر چه برای او لذت بخش و خوشایند باشد، استقبال می‌کند و از هر چه برایش درد آورد و رنج آفرین باشد، فرار می‌نماید. بدین روی، طبیعی است که تنبیه برای کودک امری دردآور باشد و سبب گریز او از عملی است که عاقبتش تنبیه است. امروزه، روان‌شناسان به دلایل اخلاقی، استفاده از تنبیه بدنی - مانند سیلی زدن - را توصیه نمی‌کنند و حتی هنگامی که می‌خواهند تاثیر این نوع محرک‌ها را در مهار و کاهش رفتار آزمایش کنند، از حیوانات کمک می‌گیرند، سپس نتیجه اصلاح شده داده‌های آزمایشی خود را در مورد انسان تجربه می‌کنند. ولی آن‌جا که رفتار فرد از خود تنبیه به مراتب مخرب‌تر باشد، کاربرد تنبیه موجه و منطقی تلقی شده است. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص ۲۳)

از زمان‌های قدیم، مساله تنبیه در آموزش و پرورش و چگونگی و کیفیت تاثیر آن، مورد بحث بوده و موافقان و مخالفانی داشته است؛ غالب روان‌شناسان با مقوله تنبیه به صورت محتاطانه برخورد کرده‌اند و از نظراتشان استفاده می‌شود که در صورت اصلاح شدن رفتار کودک با روش‌های مطلوب و به وسیله تقویت کننده‌های «مثبت و منفی»، مربیان مجاز به استفاده از تنبیه به عنوان یک محرک آزارنده نمی‌باشند. اما اگر تمام روش‌های ممکن به کار گرفته شد و نتیجه مثبت و مطلوب به بار نیاورد، همچنین رفتار ناهنجار کودک ناپسند و بسیار حاد باشد، استفاده از تنبیه بدنی به نظر برخی از آنان، مفید و حتی لازم است. به عنوان نمونه، به برخی از نظرات روان‌شناسان اشاره می‌شود:

گیج و برلاینر، می‌گویند: اگر رفتاری را که می‌خواهید مانع آن شوید بسیار خطرناک یا ناخوشایند است، در آن صورت، تنبیه به عنوان راهی برای دفع آن رفتار چیزی خوب

است. (خوئی نژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۴۵) و یا گاتری، می گوید: تنبیه به این علت در تغییر دادن رفتار نامطلوب مؤثر است که رفتاری ناهمساز است. (هیلیگارد، ۱۳۷۸، ص ۲۸۹) در کتاب تغییر رفتار و رفتار درمانی، ضمن این که بحث مطلوبی درباره استفاده از روش تنبیه و آثار آن مطرح شده با این حال، مؤلف عقیده دارد که گاهی ممکن است رفتار نابهنجار فرد آن چنان وخیم و خطرناک باشد که هیچ روش دیگری برای تغییر رفتار و یا اصلاح آن جواب ندهد و به ناچار کاربرد روش تنبیه تنها روش ممکن باشد؛ مثل وقتی که رفتار نامطلوب فرد سلامت و بقای خود او و یا افراد دیگر را تهدید می کند. (سیف، ۱۳۸۶، ص ۳۹۷)

بنابراین، از نظروان‌شناسان، تنبیه می تواند یک روش تربیتی باشد، اما براساس مقررات و در مواردی به کار می رود که رفتار متربی ناپسند و بر خلاف مقررات است و ما می خواهیم آن را تضعیف یا خاموش کنیم.

## تنبیه از دیدگاه اسلام

### ۱- اهمیت و ضرورت تنبیه از نظر اسلام

اسلام در باب تنبیه، دیدگاه خاصی دارد؛ که از هرگونه افراط و تفریط مبرا است و به شیوه‌ای اعتدالی، تنبیه را در برخی موارد به شکل محدود، برای اصلاح رفتارهای نامطلوب و با شروطی می پذیرد.

دین اسلام، سفارش اکید می کند که بزرگ ترها در برابر کوچک ترها بیش تر احساس مسؤولیت کنند و حقوق آن‌ها را مراعات نمایند. اسلام به جامعه به صورت یک «کل» می نگرد، به موجودیت انسان‌ها اهمیت خاصی می دهد، خودسازی آحاد امت را لازم می داند، رفق و شفقت با دیگران را جزء وظایف می شمارد و می گوید: «المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه» (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۳۲) براین اساس، حتی تنبیه بدنی را ابتداء حتی برای حیوانات نمی پسندد و ترحم بر آن‌ها را از وظایف هر کس می داند. پس به جاست که اولیا و مربیان در مورد خطاهای جزئی کودکان خشم نورزند و به آنان غضب نکنند، بلکه با قدری مسامحه، از خطای آن‌ها بگذرند تا آنان شخصیت واقعی خود را بیابند، اصولا معلم و مربی پیش از آن که سخت گیری کند، باید در کارش عالم و دانشمند باشد.

البته، باید به این نکته توجه داشت که در موارد خاصی، به ضرورت استفاده از تنبیه در نظام تربیتی اسلام تصریح شده است و این معنی اولاً، از آیات متعددی که رسالت حضرت رسول (ص) را منحصر به تبشیر و انداز می‌داند، قابل درک است و هم از آیات و روایاتی که حدود الهی و تعزیرات اسلامی را تبیین می‌کنند. اما اسلام، برای هر جرم و خطا تنبیه و مجازات در خور آن را ارائه می‌کند، آن هم در صورتی که عوامل دیگر تربیتی - همانند رفیق و مدارا و نرمی که با طبیعت و روحیات کودک هماهنگ است - مؤثر نیفتد. در این صورت، مربی و ولی کودک ناگزیر از تنبیه و مجازات بدنی است که در تربیت دینی و اخلاقی کودک از نظر اسلام، به عنوان یک روش احتیاطی و استثنایی تلقی می‌شود.

ثانیاً از آنجا که فرزندان و متریان نزد انسان مسلمان امانت‌اند و نسبت به آنان مسئولیت دارد، همان‌گونه که تامین نیازهای جسمی کودک لازم است، تادیب او از آن واجب‌تر می‌باشد، پرورش قوای فکری، عقلانی، روحی، عاطفی و مذهبی کودکان از اهم وظایف می‌باشد و تحصیل فضایل اخلاقی مانند، صداقت، پاک‌دامنی، امانت‌داری، مراعات نظافت، طهارت و خلاصه آنچه به انسانیت انسان مربوط است ضرورت دارد که تحقق آن‌ها گاهی نیازمند روش‌ها و مراتبی از تادیب و تنبیه غیر بدنی است.

ثالثاً، همان‌گونه که انسان در انجام تکالیف دینی و اجتماعی نسبت به خودش مسئولیت دارد، نسبت به اهل و خانواده خودش نیز از لحاظ حفظ و نگه‌داری آنان از عذاب آخرت مسئولیت دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره علیها ملائکه غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یأمرون.» (تحریم: ۶) رسیدن انسان به مقامات عالی و درجات رفیع معنوی و الهی و حتی تکامل و رشد در جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی به مربی و مؤدب نیاز دارد و کودک از تمام لحظات حیات، ملازم والدین و مربی خویش است. بنابراین، برای تحقق آن‌ها، همیشه و در تمام حالات، نمی‌توان از رفیق، شفقت و محبت استفاده کرد. گاهی نیز لازم است از تنبیهات بدنی استفاده نمود که حتی ممکن است گاهی استفاده از آن نه تنها مجاز، بلکه مطلوب باشد.

## ۲- تنبیه به عنوان یک روش تربیتی

آنچه در نظر روان‌شناسان، مشهور است و نسبت به آن گرایش دارند این است که تنبیه ابتداء روش مطلوبی در تربیت نیست؛ زیرا عوارضی بر آن مترتب است. اما غالب دانشمندان اسلامی، و مربیان تعلیم و تربیت در شرایط خاصی، از تنبیه به عنوان یک روش تربیتی نام می‌برند؛ زیرا وقتی از این روش برای حل مشکل و اصلاح رفتار استفاده می‌شود که راه‌حل‌های دیگر مؤثر نبوده است.

باید به این نکته توجه کرد که روش تادیب و تنبیه یک روش تربیتی اولی نیست تا در تمام حالات و موقعیت‌ها از آن استفاده گردد و از آن نتیجه مطلوب گرفته شود. تنبیه یک روش تربیتی ثانوی است، که از لحاظ دینی و ارزشی، متاخر از همه روش‌های اصلاح رفتار کودک است؛ یعنی: اگر تمام روش‌های ممکن و متناسب در موقعیت‌های گوناگون برای تغییر و اصلاح رفتار کودک به کار گرفته شد و نتیجه مطلوب از آن به دست نیامد، در آن صورت، می‌توان از روش تنبیه استفاده کرد. این مطلب را می‌توان، هم از آثار روان‌شناسان و مربیان دریافت و هم از روایات اسلامی به دست آورد.

## تنبیه کودک از نظر روایات و فقها

قبل از ورود به بحث روایات، تذکر این نکته اهمیت دارد که قطع نظر از روایات، تنبیه کودک جایز نیست؛ چون خدای تعالی انسان را آزاد آفریده است و کسی را بردیگری تسلط نیست مگر آنکه او اجازه کند. بعلاوه، تنبیه زدن دیگری ایذاء، اذیت و ظلم به اوست و این اعمال در شرع نهی شده است؛ بطوری که برخی روایات آن را حرب با خدا و کفر می‌دانند. ابن ابی عمیر از معاویه نقل می‌کند که از امام صادق (ع) درباره قول خدای سبحان «ومن یرد فیه بالحاد» سؤال کردم امام فرمود: «هر ظلمی الحاد است و زدن خادمی که گناه نکرده است از این الحاد است.» (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۲۲۷)

بنابراین، اگر نتوانیم از روایات باب تنبیه جواز آن را استفاده کنیم اصل عدم جواز بجای خود باقی است. همینطور، در مواردی که شک در جواز داریم باید به اصل عدم جواز تمسک کرد. در مورد تنبیه کودک، روایات متعددی از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) وارد

شده است که از مجموع آنها می توان استفاده کرد که اصل تنبیه کودک به منظور تربیت و تادیب او جایز است. از این روست که تقریباً تمام فقهاء به جواز تنبیه کودک فتواداده اند؛ اما در کم و کیف آن و اینکه چه کسی چنین اجازه ای را دارد اختلاف کرده اند. در اینجا نظر برخی از فقهاء را به اختصار ذکر می کنیم:

آیه الله العظمی اراکی (ره)؛ سؤال: هرگاه، پدر، فرزند خود را به قصد تادیب مورد ضرب قرار دهد، آیا دیه دارد یا نه؟ جواب: هرگاه تادیب طفل متوقف باشد بر ضرب جائز است، ولی باید سرخ و کبود نشود... (عطائی، آراء الفقهاء، ۱۳۸۶، ص ۳۷)

آیه الله العظمی بروجردی؛ اگر بچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد، ولی یا معلم او می تواند به قدری که ادب شود و دیه واجب نشود او را بزند. (همان)

آیه الله العظمی گلپایگانی؛ اگر بچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد ولی یا دیگری با اذن ولی او می تواند به قدری که ادب شود و دیه وارد نشود او را بزند. (همان)

آیه الله العظمی امام خمینی (ره)؛ گفته شده است که در ادب کودک زدن بیش از ده شلاق کراهت دارد. ولی ظاهر این است، که ادب کودک باید با توجه به نظر ادب کننده و ولی کودک باشد گاهی مصلحت کودک اقتضای کند که کمتر از ده شلاق به او زد و گاهی اقتضای بیشتر از ده شلاق می کند ولی در هر حال نباید از تعزیر فرد بالغ بیشتر شود بلکه احتیاط این است که از تعزیر فرد بالغ هم کمتر باشد و احوط از آن این است که به پنج و شش شلاق اکتفا شود. (همان، ص ۲۹)

### مبنای تنبیه

در انسان، حقیقتی به نام حبّ ذات وجود دارد، از این رو تمام تلاش او جهت جذب لذّت ها و امور خوشایند و دفع الم و امور ناخوشایند است، همین امر، دلیل اثر گذاری روش تنبیه است؛ چرا که ماهیت تنبیه، رو به رو ساختن مترّبّی با امور ناخوشایند است. زمانی که وی با این امور مواجه شد و فهمید که علت این مواجهه، رفتار نابهنجاری است که از او سر زده، تحت تاثیر قرار می گیرد و برای این که دوباره با این تجربه ی نامطلوب رو به رو نشود، از تکرار آن خودداری می کند. (قائمی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹)

## اصول و شرایط تنبیه

اگر اصول و شرایط تنبیه، رعایت شود؛ می توان گفت تنبیه مؤثر واقع خواهد شد. برخی از مهم ترین شرایط و اصول تنبیه مؤثر عبارتند از:

۱. مستحق تنبیه بودن؛ باید دید آیا کودک استحقاق تنبیه را دارد یا نه؟ اگر دارد، استحقاق چه تنبیهی را؟ کتک زدن؟ محروم شدن؟ سرزنش و ملامت شنیدن؟ و لذا در مواردی که معلوم شده باشد که کودک مستحق تنبیه نیست نباید تنبیه کرد مثلاً اگر کودک بر اثر بی توجهی ظرفی را شکسته است مستحق تنبیه نیست و اگر تنبیه شود مؤثر نیست و گاهی اثر عکس دارد.

۲. به اندازه بودن تنبیه؛ تنبیه نباید بیش از مقدار خطا باشد؛ بلکه باید ملاحظه شود که مقدار خطا در چه حدی است و تنبیهی متناسب و به اندازه آن برای متری در نظر گرفته شود. حضرت رسول (ص) در روایت اسد بن وداعه پس از آنکه سه مرتبه از تنبیه نهی کرد فرمود: اگر تنبیه کردی به اندازه گناه تنبیه کن. (المیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۱۰۶)

۳. متناسب سن کودک باشد؛ اصل دیگر رعایت سن است، مثلاً کودک خردسال برابر تنبیه احساس بی پناهی می کند و این موجب وارد آمدن صدمه روانی بر کودک است. لذا در تنبیه، باید قوت بدنی، سن و شخصیت افراد را در نظر داشت در روایت حماد بن عثمان امام صادق (ع) فرمود: «هر مقدار که حاکم مصلحت بداند بر حسب مقدار گناه و یا قدرت بدنی شخص تعزیر کند. (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۸۴) نیز از حضرت علی (ع) نقل شده است که گاهی نصف یا ثلث شلاق را می گرفت و بر حسب سن کودکان آنها را حد می زد.

۴. وضعیت رشد کودک؛ رعایت رشد نیز مهم است کودکی که شدیداً وابسته و نازپرورده است در تنبیه، درد شدیدی را متحمل می شود. و شرایط جسمی، روحی، فکری، خانوادگی هر کدام اقتضائاتی دارد که باید کاملاً رعایت شود و حساب شده تصمیم گیری شود. کودکان باهوش اگر تنبیه شوند بیشتر از کودکان کم هوش صدمه می بینند.

۵. رعایت عدالت؛ یکی از شرایط مهم رعایت عدالت، در تنبیه کردن است. هیچ گاه نباید کودک را بخاطر تشفی خاطر خود یا برای انتقام جویی تنبیه کرد؛ بلکه همواره باید صلاح کودک مدنظر باشد. نه تشفی خاطر، یا فرو نشاندن غضب و یا انتقام گیری از وی زیرا چه بسا آثار زیانبار و ناگواری را به دنبال داشته باشد.

۶. رعایت تنوع تنبیه؛ شرط رعایت تنوع نیز لازم است، چه بسا یک شیوه کارساز نباشد. باید بدانیم کدام نوع از تنبیه را بکار ببریم، و اصرار نداشته باشیم همیشه مثلاً از شیوه ملامت کردن استفاده کنیم. اسلام می گوید در تنبیه باید مراحل و مراتب آن را رعایت کرد و باید از مرحله ضعیف شروع کرد چرا که شاید با اجرای مرحله ای ضعیف از تنبیه، مثل یک تغییر چهره، کودک به اشتباه خود پی ببرد و اصلاح شود که در این صورت دیگر نیازی به تنبیه بدنی نخواهد بود.

۷. اکتفا به حداقل؛ آخرین اصل و شرط مهم شرط حداقل است. زیرا هدف از تنبیه آگاهی و اصلاح کودک است و وقتی هدف حاصل شد دیگر تنبیه معنی ندارد. همین طور اگر پس از تنبیه کودک رفتار او اصلاح شد، دیگر نباید رفتار خلاف او را به رخ کشید و آن را بهانه ای برای تنبیه و سرزنش او قرار دهیم. و همچنین تنبیه را نباید با خشونت و با ظرفیت حداکثر توان اعمال کرد مخصوصاً اگر اعمال آن برای اولین بار و آن هم برای کودک باشد. زیرا این گونه تنبیهات زمینه را برای احساس بی پناهی کودک و در نتیجه پیش از آنکه سبب هدایت و اصلاح شود عامل ناسازگاری کودک خواهد شد.

### فوائد تنبیه بجا و متناسب

۱. اصلاح رفتار؛ تنبیه این فایده را به همراه دارد که کودک را سر عقل می آورد و او در می یابد که عمل خطایی را مرتکب شده و از تکرار آن باید خودداری کند. براساس اصل شرطی شدن، کودک رابطه ای بین عمل و کیفر می یابد، می فهمد هر باری که عمل ناروایی را انجام دهد، باید زجر و رنج آن را هم تحمل کند، و به این نتیجه می رسد که سودش در ترک آن عمل است.

۲. یافتن راه صواب؛ گاهی تنبیه می‌تواند وسیله‌ای باشد برای یافتن راه صواب. یعنی کودک به این نتیجه می‌رسد که این راه قابل تکرار نیست و باید شیوه دیگری را در پیش گرفت، راه دیگری که از تنبیه مصون باشد.

۳. اثربخشی فوری؛ از فواید دیگر تنبیه اثر بخشی فوری آن بر روی فرد است. کودکی را در نظر بگیرید که در خانه یا مدرسه شرارت می‌کند، مزاحم دیگران است، سر و صدا به راه انداخته، و برای دیگران صدمه آفریده است، با لجبازی‌های خود در خانه آتش افروخته و برای دیگران رنج می‌آفریند. شاید شور و آشوب که او به پا کرده اجازه نمی‌دهد که کودک به خود آید و دست از عمل ناروایش بردارد. در چنین صورتی یک تنبیه حساب شده، می‌تواند محیطی را ساکت و آرام کند. جلوی آشوب و آتش‌افروزی‌های او را بگیرد. و مجالی برای مربی پدید آورد، که بتواند اوضاع را سر و سامان دهد و یا حرف خود را بزند.

۴. تضعیف رفتارنا مطلوب؛ تنبیه در مواردی می‌تواند نقش ضعیف‌کننده‌ای را برای رفتارنا مطلوب کودک ایفا کند، و کودک تدریجا نسبت به آن رفتار بی‌اعتنا شده و از بدی رفتار خود بکاهد.

۵. ایجاد بیداری؛ تنبیه، گاهی آدمی را به خود آورده و بیدار می‌کند، به عبارت دیگر عامل هشداردهنده و بیداری‌آفرین است. عواقب سوء و نامیمون عمل و تداوم ارتکاب، و عوارض سوئی که در انتظارش است او را بیدار و متنبه می‌کند.

### قلمرو کاربرد تنبیه

تنبیه از روش‌هایی است که تمامی مراحل رشد انسان را شامل می‌شود و در گستره‌ی عمر انسان کاربرد دارد.

### انواع تنبیه

به طور کلی، تنبیه بر اساس نوع تاثیر آن در مرتب‌ی، دو گونه است:

۱. عاطفی و روانی؛

۲. بدنی و جسمانی.

## مراحل کاربرد تنبیه

به دلیل شدت و ضعف خطاها و متنوع بودن تنبیه ها و نیز متفاوت بودن موقعیت تربی خطاکار، اجرای روش تنبیه، مستلزم مراحلی است که در ذیل به آنها می پردازیم:

۱. تغییر در چهره؛ اولین گام تنبیه با نگاه است، به این معنا که اگر به هنگام برخورد با خطای تربی، تنها نوع نگاه خویش را تغییر داده و ناراحتی را، به گونه ای در چهره نمایان سازیم، امید می رود که در رفتار تربی اصلاحی صورت پذیرد. چه بسا ممکن اسن نگاهی سرد، حجاب های غفلت تربی را پاره کند و رفتارش را اصلاح نماید. کاربرد این مرحله زمانی است که بین مربی و تربی رابطه ای بسیار صمیمی وجود داشته باشد و تربی خود را نیازمند داشتن این رابطه ی گرم بداند، به طوری که ناراحتی مربی برایش قابل تحمل نباشد. (قائمی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱)

۲. تنبیه با کنایه؛ مرحله ی بعدی، تذکر غیرمستقیم و در قالب کنایه است؛ در واقع مربی خطای تربی را با اشاره و کنایه متذکر می شود؛ چرا که زبان اشاره، گویا تر از تصریح است. درک کنایه و تلویح نیازمند نوعی تیزبینی و برخورداری از رشد عقلی و شناختی است.

۳. تذکر مستقیم و غیر علنی؛ در این مرحله، مربی در خلوت و به دور از چشم دیگران، تربی خطاکار را مورد خطاب قرار داده و در مورد خطایش به او تذکر می دهد.

۴. تهدید؛ در این مرحله، مربی، تربی را از عاقبت سوء رفتار خویش و مجازات آن مطلع می سازد و تحقق این پیامد را بر تکرار آن رفتار، مشروط می کند. تهدید، معمولاً با لحن شدید و چهره ی گرفته ی مربی صورت می گیرد، و قلمرو کاربرد آن بیش تر از سن تمیز به بعد است. (همان، ص ۱۴۳)

۵. محروم سازی؛ به معنای سلب نعمت می باشد و در آن، فرد خطاکار از یک شیء مادی و یا یک امر معنوی محروم می گردد. شدیدترین نوع محرومیت، محرومیت گروهی و طرد اجتماعی است که شاید کارسازترین نوع تنبیه هم باشد. جریمه کردن هم نوعی محروم سازی است؛ زیرا در جریمه، گاهی تربی را از خوردن و یا به کار گرفتن و بهره بردن از چیزی

مطلوب، محروم می‌کنیم و گاهی شیئی نامطلوبی، مانند چندین بار نوشتن مشق و... را بر وی تحمیل می‌نمایم، که هم به نوعی سلب آسایش و راحتی از متربی است. (همان، ص ۱۴۴)

۶. توبیخ و سرزنش؛ درس‌رزنش مربی شخصیت متربی را نشانه می‌رود و او را به تنهایی و یا در حضور دیگران، نسبت به رفتار نامطلوبش باز خواست می‌کند.

۷. تنبیه بدنی؛ آخرین مرحله‌ی تنبیه است که با رعایت شرایط، می‌توان از آن بهره برد.

### آسیب شناسی روش تنبیه

۱. تعجیل در تنبیه و سرزنش؛ از جمله آسیب‌های روش تنبیه، شتاب کردن در تنبیه است؛ امیرالمومنین (ع) در این باره می‌فرماید: «لا تعجل فی عیب احد بذنبه فلعنه مغفور له» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) در عیب‌گیری و مواخذ کسی به گناهش، شتاب نکنید، شاید آن گناه برای او بخشیده شده باشد.

۲. افراط در تنبیه و سرزنش؛ افراط در تنبیه و زیاده روی در سرزنش متربی، آثار تربیتی آن را از بین می‌برد و آتش لجاجت را در روان مربی شعله ور می‌سازد و موجب عداوت و کینه توزی می‌گردد. (قائمی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵)

۳. تنبیه در حال خشم؛ در روایات، از تنبیه و تادیب در حال خشم نهی شده است. شاید علت این باشد که تنبیه در حال خشم ممکن است دو پیامد داشته باشد: یکی این که جنبه‌ی الهی و اصلاحی خود را از دست می‌دهد؛ زیرا چه بسا مربی در این حالت برای تشریف و آرامش دل خود به تنبیه اقدام می‌کند، نه برای اصلاح و تربیت؛ و دیگر این که در حالت خشم، عقل کارایی خود را از دست می‌دهد و تنبیه در این حالت جنبه‌ی افراطی پیدا کرده، آسیب‌های روحی و جسمی جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورد.

۴. ضربه زدن به نقاط حساس؛ در هیچ یک از حدود الهی، ضربه زدن به صورت تجویز نشده است؛ زیرا صورت مظهر زیبایی، کرامت و خلقت الهی انسان است که باید محترم نگه داشته شود؛ گذشته از این از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار است، لذا باید از زدن به صورت خودداری شود. (همان، ص ۱۵۶)

۵. سستی در تنبیه و افراط در گذشت؛ گاهی ممکن است مربی از حسن ظن و رأفت مربی سوء استفاده کرده، بار دیگر مرتکب اشتباه و خطا شود؛ از این رو، مربی باید، در عین برخورداری از رأفت و رحمت، قاطع و با صلابت باشد تا از سوء استفاده پیشگیری کند.
۶. نگاه مجرمانه به مربی پس از تنبیه؛ کسی که مرتکب خطایی می شود و سپس تنبیه می شود، مانند کسی است که گویا خطایی مرتکب نشده است. نباید نسبت به او نگاه مجرمانه داشت که این می تواند بسیار آسیب زا باشد. (همان، ص ۱۵۷)

### نتیجه گیری

از آن جا که کودکان، امانت های پروردگار متعال هستند که در اختیار والدین گذاشته شده اند، بر پدران و مادران لازم است که کودک پاک خود را با کردار ناپسند عادت ندهند و در پرورش جسمی، اخلاقی و روحی و معنوی آن ها تلاش جدی داشته باشند. کودک با رفتارهای پسندیده و تربیت صحیح اولیا و مربیان می تواند انسانی با فضیلت شود در غیر این صورت، فرد نامطمئن و فاسد بار می آید. سعادت و شقاوت هر کس به کیفیت پرورش و تربیت او در کودکی بستگی دارد. با محبت و حسن رفتار، می توان افرادی مهربان، خیراندیش، درستکار، شجاع، شریف و فعال به جامعه و آینده بشریت تحویل داد.

دین اسلام، سفارش اکید می کند که بزرگ ترها در برابر خردسالان و کوچک ترها بیش تر احساس مسئولیت کنند و حقوق آن ها را رعایت نمایند. اسلام به جامعه به صورت «کل» می نگرد و به موجودیت انسان ها اهمیت خاصی می دهد، خودسازی آحاد امت اسلامی را لازم می داند و رفق و شفقت با دیگران را جزو وظایف مسلمانان می شمارد.

بنابراین، از مجموع مباحث این مقاله، می توان نتیجه گرفت که روش تنبیه و تادیب کودکان روش تربیتی اولی نیست، تا در تمام حالات و موقعیت ها بتوان از آن استفاده کرد و نتیجه مطلوب از آن گرفت، بلکه تنبیه یک روش تربیتی ثانوی است، که از لحاظ مرتبه و ارزش، متاخر از همه روش های ممکن در اصلاح رفتار است؛ یعنی: اگر تمام روش های مناسب مثل: گذشت، اکرام، رفق، محبت و تشویق را در موقعیت های گوناگون برای تغییر و

اصلاح رفتار کودک به کار گرفتیم، ولی نتیجه مطلوب از آن به دست نیامد در آن صورت، می‌توان از روش تنبیه در موارد منصوص و خاص استفاده کرد.

این حقیقت را می‌توان، هم از آثار و افکار روان‌شناسان و مربیان تعلیم و تربیت استفاده کرد و هم از روایات اسلامی به دست آورد. نکته مهم‌تر این که، از مجموع مباحث گذشته، می‌توان استنباط کرد که تنبیه به عنوان آخرین راه درمان و اصلاح رفتار تلقی شده و هدف از تنبیه در واقع، اصلاح رفتار و تربیت کودک است.

بنابراین، به کارگیری و استفاده از این روش، باید به گونه‌ای باشد که اصلاح‌کننده و مؤثر در تربیت کودک باشد و یا دست کم، عامل بازدارنده باشد. اگر چنین نتیجه‌ای از آن حاصل نمی‌شود، نباید مورد استفاده قرار گیرد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. المیثمی، حافظ نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۸، بیروت، ۱۴۰۸.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناسی رشد با نگرش اسلامی، ج ۱، ۱۳۸۹.
۶. عطائی، علی، آراء الفقهاء و المراجع فی حکم تادیب الصبیان و ضربهم، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۸۶.
۷. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی، چاپ پنجم، سمت، تهران، ۱۳۸۶.
۸. قائمی مقدم، محمد رضا، روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۸.
۹. کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج ۲، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۸.
۱۰. هلیگارد، ارنست، نظریه های یادگیری، ترجمه محمدنقی براهنی، سمت، تهران، ۱۳۸۵.